

نقد ترجمه ادبی از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی

گلرخ سعیدنیا

دکترای زبان‌شناسی همگانی

چکیده

این مقاله در چارچوب رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی به نقد ترجمه ادبی می‌پردازد. تحلیل گفتمان انتقادی رویکردی به مطالعه متن است، که زبان را به مثابه شکلی از کنش اجتماعی در نظر می‌گیرد و می‌کوشد زیربنای ایدئولوژیک گفتمان را، که بر اثر مرور زمان طبیعی جلوه داده شده‌اند، آشکار سازد. تعامل این رویکرد با مطالعات ترجمه زمینه تازه‌ای را به وجود می‌آورد که در آن رابطه متن مبدأ و متن مقصد می‌تواند با نگاهی نو مورد نقد قرار گیرد. به منظور معرفی این تعامل، در این مقاله دو ترجمه از کتاب "بادبادک باز"، با بهره‌گیری از روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی، مورد بررسی قرار می‌گیرد. نتایج نشان می‌دهد که هرگونه تغییر، تبدیل، انتخاب واژگانی و دستوری، جافنادگی و سهوالقلمی را می‌توان ایدئولوژیک تلقی کرد، که در آن ساختارهای روابط قدرت و عوامل فرهنگی و اجتماعی قابل مشاهده است. **کلیدواژه‌ها:** تحلیل گفتمان انتقادی، ترجمه، نقد ترجمه، متن مبدأ، متن مقصد.

۱. مقدمه

آنچه تاکنون، به طور سنتی، نقد ترجمه نامیده شده، براساس معیارهایی هم‌چون درست و غلط، وفادار و آزاد و... صورت گرفته، که عمدتاً متأثر از تفکر ساختارگرایانه دوازدهمی است. در دوران پسامدرن، رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی با نگاهی منتقدانه، درهم‌تنیدگی شکل‌دهنده متن را مشاهده می‌کند. به این ترتیب می‌توان فرایند برگردان یک متن از مبدأ به مقصد را برخوردار از همان ظرفیت‌های نقدپذیری مورد نظر دانست و در آن مؤلفه‌هایی همانند ساختارهای روابط

قدرت عوامل تاریخی، فرهنگی و هم‌چنین/ایدئولوژیک را مشاهده کرد. متن‌ها، که شامل ترجمه‌ها نیز می‌شوند، نقش‌ها را در بافت اجتماعی خود می‌بینند.

رابطه بین مترجم و متن منتخب در زبان مبدأ به‌عنوان تمثیلی از یک فرهنگ (با ویژگی‌های تعریف‌شده)، رابطه‌ای تصادفی و دلبخواه نیست، بلکه از نهادهای اجتماعی و دیگر عوامل فرهنگی تأثیر می‌پذیرد. از طرفی، حضور مترجم در فرهنگ مقصد نیز از نهادهای اجتماعی و دیگر عوامل متأثر می‌شود و برآیند این تأثیرات در ترجمه اثر انعکاس می‌یابد. همین‌جاست که تحلیل‌گران گفتمان انتقادی می‌توانند با اتخاذ شیوه‌های خاص، درهم‌تنیدگی متن (ترجمه) را آشکار سازند و روابط قدرت و ایدئولوژیک نهادهای اجتماعی را به مشاهده درآوردند و الگوهای برای تحلیل و تفسیر متن‌های ترجمه شده ارائه دهند، که از آن‌چه پیش از این به‌عنوان نقد ترجمه مطرح بود، متمایز باشد و از آن فراتر رود. آن‌چه تاکنون از منظر ساخت‌گرایی، متن اصلی و بازنویسی آن محسوب می‌شد، در پرتو این نگرش می‌تواند درون‌کاوی شود و هر بازنویسی یا ترجمه‌ای، که در زبان مقصد صورت می‌گیرد، به‌منزله خوانشی نو برداشت شود. تاجایی که متن مبدأ نیز خود، یکی از خوانش‌ها تلقی شود.

جنبه زیبایی‌شناختی، مسائل سبکی و نیز بحث‌های کلاسیکی که درزمینه آگاهی مترجم به فرهنگ و زبان مبدأ و مقصد مطرح شده‌اند، هم‌چنان در اثر ترجمه‌شده، از اهمیت برخوردارند. اما نقد دوران کنونی، فقط به توصیف و تفسیر نمی‌پردازد. عمق نگاه این نقد (تحلیل گفتمان انتقادی)، حاصل بهره‌گیری از عواملی هم‌چون جامعه‌شناسی، تاریخ، قدرت و ایدئولوژی است و در نتیجه، به‌سوی تبیین می‌رود. صاحب‌نظران این رویکرد، با ارائه اهداف آن، هریک با گرایش‌های مخصوص به‌خود به این نوع تحلیل دست می‌زنند و از زاویه‌ای خاص، به گفتمان نگاه می‌کنند. (مثلاً ووداک^۱ بارویکرد جامعه‌شناختی - گفتمانی، ون دایک^۲ با نگاهی اجتماعی - شناختی و فرکلان^۳ با دیدگاهی اجتماعی). تحلیل گفتمان انتقادی، که حاصل زبان‌شناسی انتقادی (فاولر^۴ و همکاران، ۱۹۷۹) است، اغلب در متن‌های رسانه‌ای و در سطح مسائل اجتماعی و سیاسی موضوع تحلیل خود را دنبال می‌کند. در این مقاله سعی بر آن است تا با به‌کارگیری روش‌های تحلیل گفتمان انتقادی، رابطه بین متن مبدأ و متن مقصد، و هم‌چنین تعاملی که حاصل این فرایند است به‌تصویر کشیده شود.

در این عرصه روت ووداک و همکارانش روش تاریخی/گفتمانی را پیش گرفته‌اند که براساس دنبال کردن عبارات و مناظره‌های تاریخی (بینامتنی) قرارداد (نک. ووداک، ۱۹۹۵، ون

-
1. R. Wodak
 2. T. Van Dijk
 3. N. Fairclough
 4. R. Fowler

لیوون و ووداک، ۱۹۹۹ و مارتین و ووداک، ۲۰۰۳. عده‌ای از صاحب‌نظران تحلیل‌گفتمان انتقادی به‌طور واضح و شفاف روش‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. چولی‌اراکي^۱ و فرکلاف (۱۹۹۹: ۱۷) برای به‌دست‌آوردن چارچوبی متمرکز و روش‌مند کوشش می‌کنند. محققانی نظیر کرس^۲ (۱۹۹۶) و اسلم بروک^۳ (۱۹۹۵) بر انضمام ایماژهای بصری در مفاهیم گفتمانی و همچنین حرکت به‌سوی مفاهیم چندوجهی نشانه‌شناختی تأکید می‌ورزند. جهت‌گیری اصلی در تحلیل‌گفتمان انتقادی، به‌سوی مفاهیم متنی مشخص‌شده زبانی است. ساختارهای گفتمانی/زبانی، نقش بسیار مهمی در تولیدات اجتماعی، نظیر نابرابری، قدرت، ایدئولوژی، و اتوریته دارند (ون دایک، ۱۹۹۵).

نورمن فرکلاف، به نقش زبان در تثبیت روابط قدرت و نیز تغییر این روابط و همچنین به آشکارسازی قدرت پنهان در گفتمان می‌پردازد. فرکلاف در کتاب "قدرت و زبان" (۱۹۸۹)، درحقیقت، پلی مابین تحلیل‌های زبانی متن‌ها و نظریه‌های اجتماعی می‌زند. بلومارت^۴ (۲۰۰۵: ۲۳-۴) می‌گوید زبان و قدرت نقطه شروع تحلیل‌گفتمان انتقادی محسوب می‌شوند. فرکلاف به گفتمان قدرت در بریتانیا (بلاغت سیاسی تاجر و تبلیغات اقتصادی) اشاره می‌کند و راه‌های تجزیه و تحلیل این گفتمان را به‌وسیله روش‌های زبان‌شناختی معرفی می‌کند. برای معرفی فرکلاف به‌عنوان صاحب‌نظر در رویکرد تحلیل‌گفتمان انتقادی به بلومارت (۲۰۰۵) می‌پردازیم. مهم‌ترین کوششی، که در جهت نظریه‌پردازی در برنامه رویکرد تحلیل‌گفتمان انتقادی انجام یافته در کتاب "گفتمان و تغییرات اجتماعی" (۱۹۹۲) فرکلاف صورت گرفته است. این کار بعداً به‌وسیله چولی‌اراکي و فرکلاف در "گفتمان در مدرنیته معاصر" (۱۹۹۹) ادامه یافت. فرکلاف (۱۹۹۲) نظریه‌ای اجتماعی را بنا می‌نهد که با دیدگاه فوکو^۵ قرابت دارد و درعمل، روش برجسته‌ای را برای تحلیل‌گفتمان انتقادی فراهم می‌سازد. فرکلاف چارچوبی سه‌وجهی برای بیان و تجزیه و تحلیل گفتمان طراحی می‌کند.

نخستین وجه پیشنهادی او گفتمان به‌مثابه متن^۶ است. به این منظور از مشخصه‌های زبان (زبان‌شناسی) و ساختاری و از مثال‌های مشخص گفتمانی بهره می‌گیرد. الگوهای واژگانی (مثلاً عبارت‌پردازی و استعاره)، دستوری (مثلاً نظام گذرایی و نظام وجهی)، انسجام (مثلاً حروف ربط و طرح‌واره‌ها) و ساختار متن (مثلاً نظام نوبت‌گیری)، باید به‌طور منظم مورد تجزیه و تحلیل

1. L. Chouliaraki
2. G. Kress
3. Slem brouck
4. J. Blommaert
5. M. Foucault
6. discourse-as-text

قرار گیرند. استفاده از *افعال مجهول* و *اسم سازی* در گزارش‌های خبری، به‌طورمثال می‌تواند فاعل و کنش‌گر سیاسی را پوشیده نگه دارد.

در **وجه دوم**، *گفتمان به‌مثابه فعالیت گفتمانی*^۱ مورد نظر است. گفتمان به‌مثابه چیزی که تولید می‌شود، در جریان قرار می‌گیرد، توزیع می‌شود و در اجتماع مصرف می‌شود. رویکرد گفتمان به‌مثابه فعالیت گفتمانی به‌این معناست که بعد از تجزیه و تحلیل واژگانی- دستوری باید به عواملی چون کارگفت‌ها، انسجام و بینامتنیت توجه شود، یعنی سه جنبه‌ای که یک متن را به بافت گسترده‌تر اجتماع پیوند می‌دهد. فرکلاف مابین *بینامتنیت آشکار*^۲ (استفاده صریح از متن‌های دیگر)، *بینامتنیت سازنده*^۳ یا *بیناگفتمانی* (متن‌ها از عناصر متفاوت و نامتجانس تشکیل شده‌اند. مانند انواع گفتمان، سیاق و سبک) تفاوت قایل است. جنبه‌ای مهم از بینامتنیت آشکار به معرفی گفتمان می‌انجامد، همانند چگونگی انتخاب نقل‌قول‌ها، تغییرات و بافت سازی.

سومین وجه، *گفتمان به‌مثابه فعالیت اجتماعی*^۴ است، یعنی، تأثیرات ایدئولوژیکی و فرایندهای هژمونیک که در آن‌ها گفتمان عمل می‌کند. هژمونی به قدرتی توجه دارد که از طریق ساختن اتحادیه‌ها و یک‌پارچه‌کردن طبقات و گروه‌ها، بر اثر توافق، به‌وجود می‌آید. بنابراین، مفصل‌بندی *نظم گفتمان*^۵ به کشمکش‌های هژمونیک مربوط می‌شود (فرکلاف، ۱۹۹۲: ۹۳).

از همین **وجه سوم** است که فرکلاف رویکرد خود را بر تغییرات اجتماعی بنا می‌نهد. هژمونی‌ها تغییر می‌یابند و این فرایند را می‌توان در تغییرات گفتمانی مشاهده کرد، هنگامی که از زاویه بینامتنیتی به آن نگریسته شود. طریقی که در آن، گفتمان بازنمایی می‌شود، بازگفته، یا بازنوخته می‌شود و به ظهور *نظم گفتمان* جدید، کشمکش‌ها بر سر هنجارها، تلاش برای کنترل و مقاومت در برابر رژیم‌های قدرت‌مدار می‌انجامد. علاوه بر این سه وجه، فرکلاف، تمایز سه‌گانه دیگری را به روش تحقیق اضافه می‌کند، گذر از سه مرحله توصیف^۶، تعبیر^۷ و تبیین^۸ (فرکلاف، ۱۹۸۹: ۲۶).

1. discourse-as-discursive-practice
2. manifest intertextuality
3. constitutive intertextuality
4. discourse-as- social-practice
5. order of discourse
6. description
7. interpretation
8. explanation

در مرحله توصیف، تحلیل گفتمان انتقادی برمشخصه‌های زبان‌شناختی متن متمرکز می‌شود. توصیف محقق، فعالیتی مشابه فعالیت شرکت‌کنندگان است. یعنی محقق مقوله‌های مورد نظر شرکت‌کنندگان^۱ را در توصیفش به‌کار می‌گیرد اما برخلاف شرکت‌کنندگان، باید چارچوب تعبیر و تفسیر خود را شفاف سازد.

در مرحله تعبیر، شرکت‌کنندگان به نوعی از ادراک گفتمان براساس تجارب شناختی، اجتماعی و ایدئولوژیکی خود دست می‌یابند. در این مرحله، ضروری است که مابین شرکت‌کنندگان و محقق نوعی تمایز در نظر گرفته شود. اما تعبیر هنوز با ابزار مقوله‌ها و مشخصه‌هایی که شرکت‌کنندگان فراهم کرده‌اند صورت می‌گیرد. فرکلاف ادعا می‌کند که این چنین تعبیرهایی، چارچوب‌هایی ایدئولوژیک را نشان می‌دهند. شرکت‌کنندگان عناصری از ایدئولوژی‌های اجتماعی را از طریق تعاملات روزمره ارگانیزه‌شده، بازتولید می‌کنند. به‌همین دلیل است که تحلیل گفتمان انتقادی، مرحله‌سومی نیاز دارد، یعنی تبیین.

در مرحله تبیین، محقق به نظریه اجتماعی می‌پردازد و زیربنای ایدئولوژیکی راکه در مراحل تعبیر وجود دارد، آشکار می‌سازد. نظریه اجتماعی، فضای لازم را برای حرکت از تحلیل گفتمان غیرانتقادی به انتقادی به‌وجود می‌آورد و تصویر بزرگ‌تری ارائه می‌کند، که در آن، هر ارتباط خاص می‌تواند جانمایی شده و به‌این‌وسیله معنا یابد. این امر هم‌چنین زمینه‌هایی را برای رفع محدودیت‌های شعور عامیانه، درمورد ابعاد ایدئولوژیکی گفتمان، فراهم می‌سازد.

فرکلاف با موفقیت، فرایندهای هژمونیک را در سطح کلان مشخص و تعریف می‌کند، فرایندهایی مانند *دموکراتیزه‌شدن، کالاشدگی، تکنولوژیکی‌شدگی* را براساس ساختارهای *ناهم‌صدایی*^۲، که در متن‌ها به‌صورت *ژانر* و *سبک* ظاهر می‌شوند، نشان می‌دهد. گفتمان سیاسی مدرن، به‌عنوان نمونه از طریق مخلوطی از ژانرها، سبک‌های رسمی و غیررسمی، عامه‌پسند و خبری و غیره ارائه می‌شود.

۲. روش تحقیق

تحلیل گفتمان انتقادی تصویر جدیدی، در سطح روش تحقیق، ارائه می‌کند. بنا به دلایل تاریخی، استفاده از روش‌های زبان‌شناسی *نقش‌گرایی نظام‌مند* در آن بسیار چشم‌گیر است، اما مقولات و مفاهیم بسیاری نیز از جریان‌های پراگماتیکی، تحلیل گفتمان و زبان‌شناسی متن، سبک‌شناسی، نشانه‌شناسی اجتماعی، شناخت اجتماعی و بلاغت^۳ وام گرفته است.

1. participant
2. heteroglossic
3. rhetoric

شفر^۱ (۲۰۰۴)، معتقد است که گفتمان سیاسی معمولاً بر فرایند ترجمه تکیه دارد، هرچند که این پدیده تا به حال مورد تجزیه و تحلیل دقیقی قرار نگرفته است. وی بر این باور است بر اثر فرایندی که در آن اطلاعات از طریق ترجمه به فرهنگ دیگر منتقل می‌شود، تعامل این دو پدیده، یعنی تحلیل گفتمان و مطالعات ترجمه مورد توجه قرار می‌گیرند. آنچه که به دنبال می‌آید دیدگاه شفر نسبت به این تعامل در ترجمه‌های مختلف از متن‌های سیاسی است. در این مقاله، محدوده تعامل تحلیل گفتمان انتقادی و مطالعات ترجمه به ترجمه متن ادبی بسط داده می‌شود.

شفر (همان.) ابتدا به انتخاب واژگانی در ترجمه‌های متن‌های سیاسی می‌پردازد. وی معتقد است که یکی از موارد مهم در تحلیل گفتمان سیاسی و تحلیل گفتمان انتقادی، واکنش انتقادی نسبت به استفاده استراتژیک از مفاهیم سیاسی برای دستیابی به اهداف سیاسی مشخص است. در زبان‌شناسی امروز، توافق جمعی بر تکثر معنا قرار دارد. به این ترتیب که معانی به واژه‌ها نچسبیده‌اند و ثبات ندارند. کاربران زبان در بافت‌های ارتباطی، معنا را تعیین می‌کنند و در این فرایند، معناسازی اطلاعات موجود در متن با دانش از قبل ذخیره شده و الگوهای ذهنی در تعامل اند (ون دایک: ۲۰۰۲). به طور کلی مفاهیم (و مفاهیم سیاسی) به گفتمان و فرهنگ گروهی (یا سیاسی) مربوط می‌شوند. زمینه فرهنگی / اجتماعی و تجربی کاربران زبان نیز در هنگام ترجمه باید مورد توجه قرار گیرد.

نگاه کنیم به نمونه شفر (۲۰۰۴: ۱۲۱) که برگزیده‌ای از مقاله یک روزنامه است. وی در این مثال نشان می‌دهد که چگونه استفاده از واژه‌ای به خصوص در ترجمه، به متهم شدن یک سیاست‌مدار منتهی می‌شود. شفر چنین می‌گوید:

نخست‌وزیر مجارستان، ویکتور اوربان^۲، به خاطر استفاده از واژه‌ای، که در ادبیات حزب نازی رایج بوده، مورد شماتت دیگران قرار گرفته است. از قرار، سیاست‌مدار انگلیسی براساس حضور واژه‌ای در کلام نخست‌وزیر، در اثر ترجمه متن به آلمانی، او را مورد انتقاد قرار می‌دهد. اوربان پیشنهاد کرده بود که برای رفاه اقتصادی بهتر است فضای زندگی (élettér) مردمان مرز نشین مجارستان و مردم مرکز نشین، باهم پیوند داشته باشد. این واژه به صورت (Lebensraum) در فرهنگ واژگانی حزب نازی وجود داشته است. هرچند که این واژه در گفتمان‌هایی مربوط به رفتار حیوانات و یا اسم‌گذاری یک نهاد هم ممکن است مورد استفاده قرار گیرد، مثلاً در زبان مجاری Mayor Elettér Alapitvány، که به زبان انگلیسی چنین ترجمه می‌شود:

1. Ch. Schaefer
2. Victor Orban

نقد ترجمه ادبی از دیدگاه تحلیل...

Hungarian Living- Space Foundation ، هیچ‌گونه بار منفی در مجاری وانگلیسی ندارد. اما در واکنشی، که براساس ترجمه آلمانی این متن مجاری صورت گرفته، نکات مهمی، از جمله استفاده ایدئولوژیک از این انتخاب واژگانی را به خوبی می‌توان مشاهده کرد. شفنر (۲۰۰۴: ۱۲۲) می‌گوید: "انتخاب واژگانی که توسط مترجم انجام گرفته است (دلبخواه؟ ناآگاه از تداعی معانی؟ زیر فشار زمانه؟) موجب سوء استفاده سیاست‌مدارانی شد که مایل به عضویت کشورهای قبلاً کمونیست در اتحادیه اروپا نبودند".

مواردی هم وجود دارد که مترجمان شفاهی و کتبی واژه‌های مشخصی را ساخته‌اند و از واژه‌ها و اصطلاحات مشخص پرهیز کرده‌اند. ترجمه شفاهی و ترجمه کتبی به‌عنوان دو روش اصلی در *تداخل فرهنگ‌ها و ارتباطات* شرکت دارند. مترجمان شفاهی برخلاف مترجمان کتبی در رویداد ارتباطی حضور فیزیکی دارند. هم مترجمان شفاهی و هم مترجمان کتبی در بافت‌هایی که به‌وسیله اهداف اجتماعی و ایدئولوژیکی شکل گرفته، کار ترجمه را انجام می‌دهند.

شفنر (۲۰۰۴: ۱۲۳)، مثالی گویا از دو ترجمه آلمانی متنی واحد می‌آورد. یک ترجمه از جانب آلمان شرقی‌ها و دیگری غربی‌ها، در زمینه توافقی مربوط به سال ۱۹۷۱، که در برلین غربی صورت گرفت. متن‌های این توافق‌ها به زبان‌های انگلیسی، فرانسه و روسی بود. بخشی که مربوط به رابطه بین برلین غربی و جمهوری فدرال آلمان بود، از "ties" حرف می‌زد که رو به گسترش است (فرانسه این واژه liens است). اما این واژه در آلمان شرقی، verbindungen و در آلمان غربی، bindungen ترجمه شده بود. bindungen به روابطی اشاره دارد که محکم‌تر از verbindungen است. انتخاب این دو واژه نشان‌دهنده تصمیمی سیاسی و ایدئولوژیک است.

شفنر (همان.)، در مثالی دیگر به استفاده از دستور در ترجمه نگاه می‌کند.

در مصاحبه‌ای، که روزنامه اشپیگل^۱ با موشه کاتزوا^۲ درباره مشکلات خاورمیانه انجام داد، رییس جمهور اسرائیل نظرات خود را بیان کرد. روز بعد روزنامه انگلیسی تایمز نقل‌قول‌هایی از این مصاحبه را گزینه کرد. نگاه می‌کنیم به دوباره بافت‌سازی شدن^۳ و توجه می‌کنیم به قسمت‌های برگزیده‌ای، که از دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی، در نگاه مترجم انگلیسی حائز اهمیت بوده‌اند.

Der Spiegel: in Europa wird inzwischen sogar über Handelssanktionen debattiert.

-
1. Der Spiegel
 2. Mosche Kazaw
 3. recontextualization

اشپیگل: در این میان حتی در اروپا هم درباره تحریم‌های تجاری بحث شد.

Kazaw: Europa macht einen Fehler. Ich habe keine Angst vor ökonomischen schaden. Aber Europa vergisst, dass wir gegen Terror kaempfen. Dem sollten sich die Europa anschließen. Doch ihre position ermutigt Terror. Sie haben das Falshe Ziel im

کاتزاو: اروپا اشتباه می‌کند. من هیچ ترسی از ضررهای اقتصادی ندارم. اما اروپا فراموش می‌کند که ما علیه تروریسم مبارزه می‌کنیم. خوب است که اروپایی‌ها به این مبارزه ملحق شوند، چرا که موضع آن‌ها به ترور دامن می‌زند. اروپاییان هدف نادرستی در ذهن دارند.

مترجم انگلیسی تایمز، کل ماجرای سؤال و جواب را به صورت سبک خبری درمی‌آورد (یعنی جمله‌های مستقیم به غیرمستقیم تبدیل می‌شوند). اما در همان حال بعضی از پاسخ‌های کاتزاو به صورت مستقیم عرضه می‌شوند.

Times: "Europe is making a mistake", Mr Katzav told the German news magazine Der Spiegel. "Europe forgets that we are fighting a war against terror which they should be part of. Yet their position encourages terror, they have the false target in their sights." [...] President Katzav said yesterday: "Our experience with United Nation troops is not good." He added that in southern Lebanon "Hizbollah fighters simply marched past the peacekeepers and attacked us. UN troops cannot stop terror."

تایمز: (مصاحبه کتزاو با مجله خبری اشپیگل) اروپا اشتباه می‌کند. اروپا فراموش کرده که ما علیه تروریسم می‌جنگیم و آن‌ها باید بخشی از این مبارزه باشند. با این حال وضعیت آن‌ها ترور را تشویق می‌کند. آن‌ها هدفی اشتباه را دنبال می‌کنند... رئیس جمهور کتزاو دیروز گفت: تجربه ما از نیروهای سازمان ملل خوب نیست. وی افزود که در جنوب لبنان جنگجویان حزب الله به راحتی قدم رو از کنار صلح‌بانان گذاشتند و به ما حمله کردند. نیروهای سازمان ملل نمی‌توانند ترور را متوقف کنند.

در این متن، به زبان اصلی متن (به احتمال قوی زبان عبری) هیچ اشاره‌ای نشده است، اما از آن جا که متن انگلیسی به متن آلمانی ارجاع می‌دهد، متن آلمانی منبع به حساب می‌آید.

Der Spiegel: In Europa wird inzwischen sogar über Handelssanktionen debattiert.

Kazaw: Europa macht einen Fehler. Ich habe keine Angst vor ökonomischem Schaden. Aber Europa vergisst, dass wir gegen Terror kämpfen. Dem sollten sich die Europäer anschließen. Doch ihre Position ermutigt Terror. Sie haben das falsche Ziel im Visier. [...]

Der Spiegel: Deutschland denkt sogar über eine Teilnahme an einer internationalen Nahost-Schutztruppe nach. Können Sie sich deutsche Soldaten in Israel vorstellen?

Kazaw: Unsere Erfahrung mit Uno-Truppen ist nicht gut. Im Südlibanon marschieren die Hisbollah-Kämpfer einfach an den Blauhelmen vorbei und greifen uns an. Uno-Truppen können keinen Terror stoppen. . (*Der Spiegel* 15 April 2002)

اشپیگل: در این اثنا حتی در اروپا هم دربارهٔ تحریم‌های تجاری بحث می‌شود. کتزاو: اروپا اشتباه می‌کند. من هیچ ترسی از ضررهای اقتصادی ندارم. اما اروپا فراموش می‌کند که ما علیه تروریسم مبارزه می‌کنیم. خوب است که اروپایی‌ها به این مبارزه ملحق شوند، چرا که موضع آنها به ترور دامن می‌زند. اروپائیان هدف نادرستی در ذهن دارند. اشپیگل: آلمان حتی به شرکت در یک قوای نظامی محافظ فکر می‌کند. آیا می‌توانید وجود سربازان آلمانی را در اسرائیل تصور کنید؟

کتزاو: ما تجربهٔ خوبی با قوای نظامی سازمان ملل متحد نداریم. جنگجویان حزب الله با کلاه خودهای آبی در جنوب لبنان بدون مشکل رفت و آمد می‌کنند و ما را مورد حمله قرار می‌دهند. نیروهای سازمان ملل نمی‌توانند جلوی تروریسم را بگیرند. (اشپیگل ۱۵ آوریل ۲۰۰۲)

در متن آلمانی داریم: "marschieren vorbei, greifen... an" تکرار، نشان‌دهندهٔ رفتار عادی، در زمان حال است، اما در انگلیسی از زمان گذشتهٔ فعل استفاده شده است (marched (past, attacked)، که نشان‌دهندهٔ رویدادی است که فقط یک بار انجام گرفته است. همین‌طور در نقل قول:

dass wir gegen terror kaempfen.

که ترجمهٔ انگلیسی آن عبارت است از: We are fighting a war against terror.

اضافه کردن war، نشان از ملاحظات ایدئولوژیکی دارد. بعد از ۱۱ سپتامبر، بوش، رییس‌جمهور آمریکا، همه‌جا از war در سطح بین‌المللی علیه تروریسم حرف می‌زد. متن‌ها، که ترجمه‌ها را نیز شامل می‌شوند، در بافت اجتماعی خود عمل می‌کنند. تحلیل‌گران سیاسی معمولاً نه به متن مبدأ مراجعه می‌کنند و نه تحلیل مقایسه‌ای دقیقی از متن مبدأ و ترجمه را مورد نظر قرار می‌دهند. ترجمه‌ها پس از پیدایش، مسیر زندگی خود را درپیش می‌گیرند و مبنای کسب اطلاعات و دانش مردمان می‌شوند.

روش و نوع تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است. و براساس پیکره‌ای دو زبانه به دست آمده است. بخش انگلیسی این پیکره مشتمل است بر، کتاب *بادبادک باز*^۱ اثر خالد حسینی (۲۰۰۴) انتشارات بلومزبری^۲. بخش فارسی آن شامل: ترجمه *بادبادک باز* اثر زیبا گنجی و پریسا سلیمان‌زاده (۱۳۸۳)، و ترجمه دیگری از *بادبادک باز* اثر مهدی غبرایی (۱۳۸۷)، چاپ پنجم) که چاپ آن توسط انتشارات نیلوفر انجام گرفته است. ابتدا گزاره‌هایی از متن مبدأ به صورت تورقی و تصادفی انتخاب شده، سپس در متن "مقصد" (ترجمه‌ها)، تجزیه و تحلیل می‌شوند. روش‌های این گونه تحلیل‌ها براساس شیوه‌های رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی قرار دارد. و در سه سطح واژگانی، دستوری و معنایی اجرا شده است.

کار اصلی این تحقیق، یعنی تجزیه و تحلیل داده‌های متن از دیدگاه رویکرد "تحلیل گفتمان انتقادی"، بعد از معرفی کتاب شروع می‌شود. آن چه که در پی می‌آید تحلیل متن‌هایی از کتاب به صورت چند جمله‌ای، تک جمله‌ای و عبارت است. آن چه که پسامدرنیسم در قالب تحلیل گفتمان انتقادی، مطالعات ترجمه، مطالعات فرهنگی، نشانه‌شناسی فرهنگی و چند صدایی باختمین و بینامتنیت عرضه داشته، مورد نظر این تحقیق است.

۳. معرفی کتاب *بادبادک باز*

خالد حسینی، نویسنده افغانی تبار آمریکایی، با رمان "بادبادک‌باز" به شهرت رسید. کتابش به چندین زبان، از جمله فارسی، ترجمه شد و با اقتباس از این رمان، فیلمی ساخته شد، که البته به همان نسبت، مورد استقبال قرار نگرفت. کتاب‌های بعدی این نویسنده نیز از چنین اقبالی برخوردار نشد. تصویر روی جلد این کتاب پس‌رکی را نشان می‌دهد، یعنی "بادبادک‌باز" را که دزدانه به گذرگاهی سرک می‌کشد. این لحظه، همان وقتی است که زندگی پسر بچه شکل می‌گیرد. در همین جاست که با خیانت به وفادارترین دوست دوران کودکی‌اش زندگی خود را رقم می‌زند.

بادبادک باز رمانی خطی است، که تنها صدای قابل شنیدن آن، صدای نویسنده راوی است. متن ادبی، در ژانری مانند رمان، می‌تواند محملی برای بروز و تجلی شخصیت‌ها و دیدگاه‌ها و... به‌طور کلی، صداهایی مختلف باشد. اما این رمان فاقد چند صدایی است و تنها در آن یک صدا وجود دارد، که آن هم داستان را روایت می‌کند. صدایی که زمام امور شخصیت‌ها را در دست دارد بدون این که به آن‌ها فرصت دهد صدای خود را سر دهند. شخصیت‌های داستان، هم‌چون ابزاری در جهت تحقق اهداف او عمل می‌کنند و از خود اراده‌ای ندارند.

1. The Kite Runner
2. Bloomsbury

من‌روایتی^۱، در قالب شخصیت امیر، به شرح حکایت می‌پردازد. فالولر (۱۹۹۶: ۱۶۵)، معتقد است: "زبان نقش مهمی در تثبیت، بازتولید و تغییر ایدئولوژی دارد". وقتی از زاویه دید^۲ یک متن روایی صحبت می‌کنیم، منظورمان مجموعه‌ای از "نظام ارزش‌ها و باورهاست که با زبان متن، همراه می‌شوند". فالولر بر این باور است که مسیحیت تولستوی و منتقد بودن اورول نسبت به توتالیتاریسم، محتوای تفکر ایدئولوژیکی این نویسندگان است، که از طریق بررسی‌های زبانی می‌تواند مشخص شود. آیا مؤلف از طریق صدای راوی سخن می‌گوید و یا تکراری از ایدئولوژی‌ها به صورت صدا وارد متن می‌شوند. این تکرار صداها و ایدئولوژی‌هاست که باختین از آن حرف می‌زند و رمان‌های داستایفسکی را نماینده آن می‌داند. فالولر (همان)، چندصدایی و ناهم‌صدایی باختین را در "روزگار سخت"^۳ دیکنز می‌جوید، که در آن عده‌ای از شخصیت‌ها نظریه‌های مختلف اجتماعی را بازگو می‌کنند. بادبادک‌باز، به لحاظ فرم، شیوه‌ای ساده و آسان‌خوان را برگزیده و روایتی تودرتو نیست. اما گاه‌ا رویاهای راوی با عنوان خاطره^۴ و رؤیا^۵ در متن دیده می‌شود. به این ترتیب، راوی با خود به جدل می‌پردازد. در این جا شاید بتوان با تأکید بر حضور شخصیت‌های مختلف راوی، به چندصدایی مورد نظر باختین اشاره کرد. یعنی مکالمه و گفت‌وگوی یک خود عینی و یک خود ذهنی. راوی چندشخصیتی به‌طور مستقیم از خود و خطاهایش می‌گوید و در رؤیا و خاطره‌هایش، با خط کج نوشتاری در متن، به توجیه خود ذهنی‌اش می‌پردازد. این رؤیاهای پارانویایی، مخاطب را وامی‌دارد که بپندارد این خود ذهنی راوی بی‌گناه قصه است و نه آن خود عینی قصه که خیانتش را بلندبلند برای ما تعریف می‌کند. از مختصه‌های بارز شیوه روایی داستان، آوردن کلمات فارسی/افغانی در متن است که با حروف کج چاپ شده است. با وارد کردن حاشیه (زبان فارسی/افغانی) به مرکز (زبان انگلیسی/آمریکایی) گویی، نشستی ایدئولوژیک صورت می‌گیرد، که می‌تواند راه‌گشای "سبکی نو" باشد.

۴. درباره ترجمه کتاب بادبادک‌باز

دو ترجمه از این کتاب دردست است. اولی توسط دوخانم، پریسا سلیمان‌زاده وزیرا گنجی صورت گرفته است و دومی توسط مترجمی با سابقه‌تر، آقای مهدی غبرایی.

1. omniscient
2. point of view
3. hard times
4. memory
5. dream

مخاطبان ایرانی، که به نویسندگان فارسی‌زبان افغانی توجهی نشان نمی‌دادند، شیفته این کتاب افغانی / آمریکایی شدند و همراه با مردم جهان، ظلمی را که به افغانستان رفته بود، نکوهش کردند. گویی زبان قدرت بهتر می‌تواند این ظلم را توصیف کند.

ترجمه زیبا گنجی و پریسا سلیمان زاده، که به لحاظ زمانی اول منتشر شده است (در تجزیه و تحلیل داده‌ها به عنوان ترجمه ۱ می‌آید)، در اسفند ۱۳۸۳، برای اولین بار به بازار آمد و سپس در اردیبهشت ۱۳۸۴ تجدید چاپ شد. تصویر روی جلد این ترجمه، "بادبادک" قرمزی را نشان می‌دهد که در حال پرواز است. ناشر آن، انتشارات مروارید است. کتاب، بی‌هیچ مقدمه‌ای به اصل روایت می‌پردازد و تنها چندخطی را به تشکر و سپاس از اشخاص نه‌چندان معروف اختصاص می‌دهد. پشت جلد، تکه‌نقدهای الیزابت آلدن و و بوک پیچ و گیل تو را می‌آورد، که فقط تقدیر از کتاب است، احتمالاً برای فروش بیشتر. در ضمن، مترجمان اول، واژه‌های بومی فارسی را مانند بقیه متن آورده و توجه خاصی به دلیل وجود آن‌ها نکرده‌اند.

ترجمه مهدی غبرایی، ترجمه ۲ از کتاب بادبادک‌باز در سال ۱۳۸۴ صورت گرفته و تا سال ۱۳۸۷ چندین بار تجدید چاپ شده است. ناشر آن، انتشارات نیلوفر است. یکی از ناشران فعال در زمینه چاپ "ادبیات ترجمه" ای است. تصویر روی جلد، نه بادبادک‌باز را نشان می‌دهد و نه بادبادک را، بلکه محل بادبادک‌بازی را تصویر کرده، فضایی غم‌آلود با مسجدی تک‌مناره، که نشان اهل سنت است و خود، رنگ‌وبوی ایدئولوژیک دارد. کتاب با مقدمه‌ای از مترجم شروع می‌شود که کاملاً می‌توان از آن به فضای ایدئولوژیک فکری مترجم دست یافت. برای نمونه در مقدمه آمده است: "در حالی که کشور آمریکا در هر گوشه و کنار آن به شیوه‌های گونه‌گون، مستقیم و غیرمستقیم دخالت می‌کند...". با استفاده از عبارت "بی‌خبری آمریکایی‌ها"، اشاره به مردم (کم‌اطلاع) آمریکایی دارد و با به‌کاربردن "کشور آمریکا" اشاره به حکومت آن کشور دارد که با اهداف استعماری، به شیوه‌های گوناگون در کار کشورهای دیگر دخالت می‌کند. مترجم ۲ مدعی است که واژه‌های بومی‌ای را که نویسنده به همان شکل آورده است، با حروف کج حفظ کرده است. پشت جلد کتاب، باز هم شرحی می‌آید که چکیده‌ای از فضای داستان را نشان می‌دهد "امیر ارباب‌زاده است و مالک خانه و ثروت پدر، و حسن، نوکرزاده و از قوم هزاره و پیوسته پامال تاریخ". هم‌پایه قراردادن قوم هزاره با پیوسته پامال تاریخ، به نوعی، شیعه‌بودن را دربر دارد و با وجود حذف (ایدئولوژیک) پشتون بعد از امیر ارباب‌زاده که از قوم پشتون (اهل سنت) است، به مقصود خود دست می‌یابد.

۵. تحلیل داده‌ها

- مبتداسازی

با نگاهی به سرآغاز کتاب، ملاحظه می‌کنیم که گزاره‌ای واحد از سه‌منظر متن اولیه، متن ترجمه ۱ و متن ترجمه ۲، چگونه بازنویسی شده است، و چگونه هرکدام با مبتداسازی تکه‌ای از آن گزاره به شرح واقعه می‌پردازند. حرکت به جایگاه مبتدا تأثیری متفاوت بر جمله و متن می‌گذارد، که منجر به تبلور اندیشه و ایدئولوژی خاصی می‌گردد.

(حسینی ۲۰۰۴: ۱)

I became what I am today
at the age of twelve
on a frigid overcast day
in the winter of 1975.

متن اولیه، در برابر فعل *became*، که نشان‌دهنده فرایند از گذشته به حال است، از شدن برای مبتداسازی استفاده کرده است. امروز (*today*) اشاره به دوران حال دارد که راوی بزرگسال شده و فرایند شدن او برجسته شده، و این اتفاق در سن دوازده‌سالگی، در روزی سرد در زمستان ۱۹۷۵، انجام گرفته است.

ترجمه ۱

در سن دوازده‌سالگی به آدمی تبدیل شدم که حالا هستم، در روزی دلگیر و سرد در زمستان ۱۹۷۵.

(گنجی و سلیمان زاده ۱۳۸۳: ۵)

در ترجمه ۱، با برجسته شدن سن راوی، می‌توان خیانت او را به پای بچگی‌اش گذاشت. سپس فرایند شدن را در بستری از دلگیری و سردی زمستان ۱۹۷۵ مطرح می‌کند، که خبر می‌دهد این شدن با چه سختی‌ها و ملالت‌هایی همراه بوده و تاوان خیانت دوازده سالگی (مبتداسازی) را نیز دربر داشته است.

برجسته سازی و حاشیه‌رانی، اساساً سازوکاری بسیار پرکاربرد در تحلیل متن در حوزه زبان‌شناسی است. فرایندهای مختلفی چون *مبتداسازی*، *مجهول‌سازی*، *اسنادسازی*، شبه *اسنادسازی*، *متعدی‌سازی* و بسیاری دیگر، همه، فرایندهای برجسته‌سازی (حاشیه‌رانی) اند که در سطح بند یا جمله عمل می‌کنند و بخش‌هایی از جمله را مورد تأکید قرار می‌دهند و بخش‌هایی دیگر را در حاشیه می‌گذارند (سلطانی، ۱۳۸۴: ۸۴).

مترجم ۲، برای مبتدای قسمت دیگری از گزاره را برگزیده است.

در یک روز سرد ابری / زمستان ۱۹۷۵ / در دوازده‌سالگی شخصیت‌م شکل گرفت.

(غبرائی ۱۳۸۷: ۷)

ترجمه ۲، روز سرد ابری را مبتدا کرده تا شیوه برخورد راوی را به گزاره نشان دهد. شخصیت شکل گرفته راوی در حاشیه قرار دارد. با این نوع مبتداسازی، هیچ خصوصیتی از راوی مورد توجه نیست و کانون فرحتوجه مخاطب، بر راوی و چگونگی شکل گرفتن شخصیت او قرار نمی‌گیرد.

چنان‌که می‌بینیم، هرکدام از سه متن، یعنی متن مبدأ و دو متن مقصد آرایش خاصی را برای بندهای مختلف این گزاره در نظر گرفته‌اند. این‌که کدام بند اول و یا دوم و یا آخر بیاید بستگی به دلایل گوینده یا نویسنده دارد، که خواهد کدام بخش از پیام را اول و یا آخر بیاورد، کدام بخش از پیام نزد او دانسته فرض شده و کدام اطلاع نو محسوب می‌شود و کدام بخش پیام نزد گوینده و نویسنده مهم‌تر است. ساخت متنی کلام بر چگونگی سازمان‌بندی اطلاعات از طریق آرایش و ترتیب عناصر محتوایی کلام رقم می‌خورد.

- استعاره

Because the past claws its way out.

در متن مبدأ، رابطه استعاری‌ای برقرار می‌شود که در آن "the past" به‌عنوان کنش‌گر با ضمیر ملکی its مشخص می‌شود، که [-انسان] است، اما می‌تواند [+جاندار] باشد، مثلاً نوعی حیوان باشد.

ترجمه ۱ گذشته راه خود را با چنگ و دندان باز می‌کند. (ص: ۵)

گذشته در این جمله با اطمینان، [+جاندار] است، [+انسان] است، زیرا [-انسان] نیز می‌تواند راه خود را با چنگ و دندان باز کند.

ترجمه ۲

گذشته با سماجت راه خود را پیدا می‌کند. (ص: ۷)

در این نوع خوانش از گزاره، گذشته نه تنها [+جاندار] و به‌طور یقین [+انسان] است، زیرا سماجت، ویژگی آگاهانه انسان است و کنش‌گر جمله متن ترجمه ۲، در مقام انسان متفکر، اراده می‌کند.

وجود مفاهیم استعاری در متن مبدأ و تبلور زبانی آن در خود آن متن، و سپس در متن‌های بازنویسی‌شده زبان مقصد، از ویژگی‌های فرایند ترجمه است. نگاه هر متن به یک استعاره، جنبه‌های مختلف یک مفهوم مشترک را در فرهنگ‌های مختلف نشان می‌دهد. ممکن است این نگاه با فرهنگ مبدأ هم‌پوشی داشته باشد و یا مخصوص خود آن فرهنگ باشد (شفر، ۲۰۰۴). استعاره وسیله‌ای برای بازنمایی جنبه‌ای از تجربه برحسب جنبه‌ای دیگر از آن است، و به‌هیچ‌وجه، منحصر به آن نوع گفتمان نیست، که به‌صورت کلیشه‌ای، مرتبط با آن فرض می‌شود، یعنی شعر و گفتمان ادبی. اما کلیه جنبه‌های تجربه را می‌توان برحسب هر تعداد

استعاره بازنمایی کرد و رابطه بین استعاره‌های بدیل است که در این جا مورد توجه خاص قرار می‌گیرد. چراکه استعاره‌های مختلف، دارای وابستگی‌های/ایدئولوژیکی متفاوتی‌اند.

- انتخاب وجه

But if what he said is true then does it make you a sinner Baba?

گزاره متن مبدأ به صورت سؤالی آمده و نشان‌دهنده دغدغه پسرپچه‌ای است که می‌خواهد بداند پدرش گناه کار است یا نه.

ترجمه ۱

اما اگر حرف‌هایش درست باشد، با این حساب، شما گناه‌کاری بابا؟ (ص: ۲۱)

این متن، گزاره را به صورت وجه سؤالی آورده و به این ترتیب، سؤال راوی این متن بازنویسی نیز تکرار همان نگرانی و دغدغه است.

ترجمه ۲

ولی اگر حرف‌هایش درست باشد، تو گناه‌کاری بابا. (ص: ۲۲)

تغییر گزاره از وجه پرسشی به وجه خبری، در این متن اتفاق افتاده است. به این ترتیب، متن، این بیانیه را صادر کرده که «هرکس مشروب بنوشد پس گناه کار است». این نوع از پیش‌انگاری، در بردارنده نگاهی فرهنگی/مذهبی به مسئله نوشیدن است، که حذف علامت سؤال به خوبی آن را نشان می‌دهد. تغییر در سه وجه پرسشی، خبری، امری از زبان مبدأ به مقصد می‌تواند جنبه دیگری از واقعیت را نشان دهد و بار ایدئولوژیکی گزاره را تغییر دهد. در وجه پرسشی/دستوری، گوینده/نویسنده، از مخاطب اطلاعات می‌خواهد. که در این مورد، مخاطب در جایگاه ارائه‌دهنده اطلاعات قرار دارد. در مورد یک جمله خبری متعارف، جایگاه فاعل، گوینده/نویسنده، جایگاه دهنده اطلاعات و جایگاه مخاطب، جایگاه دریافت‌کننده است. (فرکلاف، ۱۹۹۵: ۳۵)

فرکلاف (۱۹۸۹: ۴۲) در مورد کلمات ربطی می‌گوید که: سرنخی از فرضیات ایدئولوژیک به دست می‌دهند. فرکلاف (همان.) معتقد است که روابط علی یا سببی بین امور که مبتنی بر "عقل سلیم" فرض می‌شوند، ممکن است مبتنی بر عقل سلیم/ایدئولوژیک باشند. با این حال، همواره سرنخ این روابط از طریق کلمات به دست داده نمی‌شود (مانند این گزاره ترجمه‌ای)، بلکه ممکن است به طور ضمنی، صرفاً با کنارهم قرارگرفتن جملات نشان داده شود. (به این صورت: اگر حرف‌هایش درست باشد [پس] تو گناه‌کاری.)

- مثبت و منفی

They ran out of chairs.

پیامد نظریِ بازنویسی این گزاره، می‌تواند به صورت مثبت و یا منفی صورت گیرد. فرحزاد (۲۰۰۹)، از قول فرکلاف (۱۹۹۵: ۱۳۰) می‌گوید:

"وقتی یک جمله مثبت به جمله منفی ترجمه شود، جنبه دیگری از واقعیت برجسته شده است.

ترجمه ۱ همه صندلی‌ها پر شدند. (ص: ۱۹)

ترجمه ۲ صندلی کم آوردند. (ص: ۲۰)

بیان گزاره با فعل منفی و یا فعل مثبت می‌تواند دونوع بینش در مخاطب به وجود آورد. نفی آشکارا دارای ارزش تجربی است، از این حیث که اساسی‌ترین روش برای تشخیص این مطلب است که چه چیزی واقعیت ندارد (فرکلاف، ۱۹۸۹)

- دیدگاه جنسیتی

They are like gossiping women.

ترجمه ۱

ترجمه نشده است (ص: ۱۴۳)

این عبارت با نگاه جنسیتی از متن حذف شده است. حال آن‌که ترجمه این جمله مشکلی دربر نداشت و مشکل در توهینی است که به زنان شده است و مترجمان خانم، آنرا از متن ترجمه ۱ محو کرده‌اند. چنین سهواً قلمی‌ها و جا افتادگی‌هایی بار ایدئولوژیک دارند. توجه داشته باشیم که در ترجمه ۱ شاهد برگرداندن گزاره‌های سیاسی و ایدئولوژیک بودیم. عدم برگرداندن این گزاره برای تحلیل‌گر بسیار چشم‌گیر است.

ترجمه ۲

مثل پیرزن‌های وراج غیبت این و آن را می‌کنند. (ص: ۱۲۸)

آوردن معادلی دقیق برای این گزاره بسیار درخور توجه است، زیرا جملات و عباراتی در ابتدای فصل یازده، در کنار مسئله اعراب و اسراییل حذف شده است. یعنی آن‌چه که در هر دو ترجمه اتفاق افتاده است. اما نگاه جنسیتی مردانه ترجمه ۲ نتوانسته این کلیشه پیرزنان وراج را نادیده بگیرد، وی پیش‌انگاشته جنسیتی را از طریق بینامتنیت وارد متن ترجمه کرده است. اگرچه متن اولیه واژه "gossiping" را آورده است که به معنای وراج نیست.

Then do something about it! Take action, you're Arabs, help the Palestinians then. (ص: ۱۰۹)

ترجمه ۱

پس یک کاریش بکنید. یک تکانی به خودتان بدهید. ناسلامتی شماها "عرب هستید، خب به داد فلسطین برسید." (ص: ۱۴۳)

در این ترجمه به جای فلسطینی‌ها از واژه فلسطین استفاده کرده‌اند. دال فلسطین در دهه‌های اخیر در ایران مدلول‌های مختلفی پیدا کرده است. در اوایل انقلاب، فلسطینی، هم‌زمان یاسر عرفات تلقی می‌شدند، در دهه‌های بعد، مدلول حزب‌الله به جای دال فلسطین قرار گرفت و اکنون مدلول حماس به جای دال فلسطین، قرار گرفته است. هم‌نشینی ملت مظلوم فلسطین، همان طرفداران حزب‌الله و اکنون حماس تلقی می‌شود.

ترجمه ۲

ترجمه نشده است (ص: ۱۲۹)

ترجمه ۲، حذفی کاملاً ایدئولوژیکی انجام داده و گزاره‌ای را، که در آن به فلسطینی اشاره شده، کاملاً محو کرده است. این نگاه مترجم ۲ است و یا ترس از ممیزی؟ بدون شک وی حذف را در جهت دیدگاه خود انجام داده است. خط فکری این دیدگاه در متن دنبال می‌شود. فرکلاف (۲۰۰۳: ۹) می‌گوید که یکی از اثرات مهم متن‌ها در نظریه تحلیل گفتمان انتقادی، اثرات ایدئولوژیکی است.

این اثرات در جهت القاء کردن و تعلیق و یا تغییر ایدئولوژی مؤثر است. (ایگلتون^۱، ۱۹۹۱، لارین^۲، ۱۹۷۹، تامپسون^۳، ۱۹۸۴ و ون‌دایک، ۱۹۹۸). ایدئولوژی‌ها بازنمایی جنبه‌هایی از دنیایی هستند که می‌توانند در آن تثبیت و تغییر در روابط اجتماعی، و همین‌طور قدرت، تسلط و استثمار را به وجود بیاورند. دیدگاه انتقادی به ایدئولوژی، این مقوله را وجه مشخصه قدرت می‌بیند. برخلاف دیدگاه‌های توصیفی متعدد ایدئولوژیک، که جایگاه، روحیات، باورها و دیدگاه‌های گروه‌های اجتماعی را، بدون ارجاع به هر نوع روابط قدرت و تسلط، ارزیابی می‌کنند، بازنمایی‌های ایدئولوژیک می‌توانند در متن‌ها هویت‌یابی و شناسایی شوند. تامپسون (۱۹۸۴: ۴۶)، ایدئولوژی را این‌طور تعبیر می‌کند: "معنا در خدمت قدرت". فرکلاف (۲۰۰۳)، مدعی است که ایدئولوژی‌ها می‌توانند با گفتمان، ژانر و سبک همراه شوند.

1. T. Eagelton
2. J. Larrin
3. S. Thompson

- حذف ایدئولوژیک

They do nothing but thumb prayer beads and recite a book written in a tongue they don't even understand.

این گزاره بسیار با زبان مخاطب زبان فارسی نزدیک است و تصویر آشنایی را در ذهن مخاطب ایرانی به وجود می‌آورد. استفاده از زبان عربی، به جای tongue نمی‌توانست حقیر شمردن کار این افراد را توجیه کند.

ترجمه ۱

غیر از تسبیح‌انداختن و ازبرکردن کتابی که اصلاً زبان آن حالیشان نمی‌شود، هنر دیگری ندارند. (ص: ۲۲)

گزاره متن مبدأ در متن ۱ منعکس شده است، اما عبارت هنر دیگری ندارند، به نوعی می‌تواند همان بینامتنیت باشد که فرکلاف از آن حرف می‌زند. به این مفهوم که کلیشه‌ای از زبان مقصد وارد تعبیری از متن مبدأ شده تا درک بومی‌تری از گزاره به دست مخاطب بدهد، مخاطبی که با وضعیت مشابهی می‌تواند مواجه باشد.

فرکلاف (۲۰۰۳: ۲۱) مدعی است که در هر متن بخصوصی، همواره مجموعه‌ای از متن‌ها و مجموعه‌ای از صداها، که با آن بالقوه مرتبطاند، وجود دارد. این مجموعه‌ها همیشه قابل تشخیص نیستند و دستیابی به آن‌ها با دشواری همراه است. اما به‌طور کلی می‌توان حضور صداها و متن‌های دیگر را برآورد کرد. می‌توان از آن‌چه که انجام گرفته، بدون کلام گفت و صدایی را وارد متن کرد که به صورت غایب باشد.

ترجمه ۲

ترجمه نشده است (ص: ۲۲)

بازهم سکوت. زبان به تدریج کارکرد خود را ازدست می‌دهد و کارایی و خلاقیت و معنای خود را در برابر محدودیت آزادی و ترس از واکنش‌های اجتماعی و سیاسی ازدست می‌دهد و به سکوت روی می‌آورد. هرچند که این حذف می‌تواند به خاطر سانسور و ممیزی صورت گیرد، اما با سیاست کلی ترجمه ۲، می‌شد از این گزاره تعبیری انتزاعی به دست داد. بنابراین می‌توان بر این باور بود که مترجم خود دست به سانسور و حذف گزاره زده است و صدای خود را از طریق سکوت وارد متن کرده است.

- پیش‌انگاری

Baba loved the idea of America.
It was living in America that gave him an ulcer.

در متن مبدأ، این جمله در دو جمله به صورت مجزا ابتدای فصل یازده می‌آید تا تناقض مابین "ایده به آمریکا رفتن" و "زندگی در آمریکا" را برجسته کند. ایده‌اش لذت بخش بود، اما زندگی در آن جا لذت بخش نبود.

ترجمه ۱

بابا ایده آمریکا رفتن را پسندید.

زندگی در آمریکا بود که جراحی به او ارزانی داشت. (ص: ۱۴۲)

"ارزانی داشتن" فعلی است با بار معنایی مثبت که در هم نشینی با "زخم" جالب نمی‌نماید، مگر این که "رفتن به آمریکا" در ترجمه ۱، با وجود زخم برداشتن، موهبتی تصور شود. فعل "to love" با معادل "پسندیدن" آمده که مفهوم اولیه را تعدیل کرده است، در غیر این صورت، متن مبدأ می‌توانست از فعل "to like" استفاده کند.

ترجمه ۲

بابا از فکر آمریکا رفتن خوشش آمد.

زندگی در آمریکا بود که سرطان را به او داد. (ص: ۱۲۸)

در این متن در مقابل فعل "to love" معادل "خوش آمدن" آمده است که همان مفهوم را ندارد. گویا ترجمه ۲ پایان قصه را با انتخاب واژه "سرطان" در اواسط داستان آورده است. این نوع "از پیش انگاری" در متن ترجمه ۲ تفکری مسلط شده است که تبلورش در حذف‌ها و معادل یابی‌های واژگانی دیده شد.

- حذف و اضافه

In Baba's view Israel was an island of "real man" in a sea of Arabs too busy getting fat off their oil to care for their own.

در این گزاره، باز هم با عقاید سیاسی راوی در لوای "شخصیت" داستان آشنا می‌شویم و شاهد آنیم که روایت‌کننده چگونه در باره اوضاع خاورمیانه نظر می‌دهد.

ترجمه ۱

آن‌ها آن قدر سرشان گرم است و از صدقه سر نفت‌شان دارند چاق و چله می‌شوند

که وقت ندارند به قوم خود برسند. (ص: ۱۴۳)

آوردن "آن‌ها" به جای Arab ایجاد ابهام می‌کند. نمی‌توان فهمید این ابهام در کدام جهت است. در وضعیت سیاسی فعلی، دولت و ملت ایران ظاهراً چندان دل خوشی از عرب‌ها ندارند، پس این جا به جایی چرا صورت گرفته؟ به نوعی این ضمیر "آن‌ها" می‌تواند عده بیشتر از عرب‌ها را در برگیرد و اشاره به جماعتی غیر عرب هم باشد. حذف بخش قابل توجهی از گزاره،

یعنی "قبول اسرائیل به عنوان (جزیره‌ای با مردان واقعی) در دریای عرب‌ها" برای بازنویس و مخاطب ایرانی تاکنون جذاب نبوده است. مترجم، همانند روایت‌کننده‌ای دیگر، این گزاره را خود به شکلی که می‌خواهد روایت می‌کند و با حذف بخشی از متن، گزاره را به نحو دیگری بازآفرینی کرده است.

ترجمه ۲

چون بابا به سیاست‌های کج دار و مریز عرب‌ها در قبال اسرائیل ایرادهای بنی

اسرائیلی می‌گرفت. (ص: ۱۲۹)

در حقیقت این مترجم ۲ است که از دیدگاه خود گزاره را این طور تعبیر می‌کند و می‌گوید که سیاست‌های عرب‌ها در قبال اسرائیل همواره اشکال داشته است. راوی یعنی مترجم ۲ تفکر خود را با حذف و اضافه به گزاره به زبان می‌آورد.

۶. نتیجه‌گیری

رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، ابزارهای مناسبی برای نقد ترجمه ادبی به‌دست منتقدانی می‌دهد که به شیوه‌های نو علاقه‌مندند و شیوه‌های سنتی را دیگر پاسخ‌گوی نیازهای این دوران نمی‌دانند. پیش از این سنجش و نقد ترجمه‌های ادبی بر پایه وفادار بودن یا نبودن به متن مبدأ و یا درست و غلط بودن ترجمه‌ها صورت گرفته است. اما این سنجش‌ها، که به لحاظ کمی و کیفی صورت گرفته‌اند، به این مسئله نپرداخته‌اند که چرا این تغییر و تحولات در طی فرایند ترجمه، از متن مبدأ به متن مقصد حاصل می‌گردند. آیا عامل این اختلافات صرفاً مترجمان‌اند، که آگاهانه دست به این کار می‌زنند، یا عوامل دیگری در تغییر این برگردان‌ها تأثیرگذارند. صاحب‌نظران رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی، هرگونه تغییر، تبدیل، انتخاب واژگانی و دستوری، جافتادگی و سهوالقلمی را ایدئولوژیک تلقی می‌کنند، که در آن ساختارهای روابط قدرت و عوامل فرهنگی و اجتماعی را می‌توان مشاهده کرد. حتی اگر عناصری زبانی، در مقیاس کوچک، مورد مبالغه و یا تعدیل قرار بگیرند، قابل تحلیل است. متن‌ها، که شامل ترجمه‌ها نیز می‌شوند، نقش‌ها را در بافت اجتماعی خود می‌بینند. به این ترتیب کار مترجمان در بافت‌هایی که به وسیله اهداف اجتماعی و ایدئولوژیکی شکل گرفته، باید مورد بررسی قرار گیرد. به‌طور کلی فرایندی، که در آن اطلاعات از طریق ترجمه از یک فرهنگ به فرهنگ دیگر منتقل می‌شود، در تعامل دو حوزه، یعنی تحلیل گفتمان و مطالعات ترجمه، مورد توجه و نقد قرار می‌گیرد.

منابع

- حسینی، خالد (۱۳۸۴). *بادبادک‌باز*. ترجمه زیبا گنجی، پریسا سلیمان‌زاده. تهران: مروارید.
- حسینی، خالد (۱۳۸۷). *بادبادک‌باز*. ترجمه مهدی غبرایی. تهران: نیلوفر.
- سلطانی، سید علی‌اصغر سلطانی (۱۳۸۴). قدرت، گفتمان و زبان (سازوکارهای جریان قدرت در جمهوری اسلامی ایران)، تهران: نشرنی.
- فرکلاف، نورمن (۱۳۷۹). *تحلیل گفتمان انتقادی*. ترجمه فاطمه شایسته پیرانی و دیگران. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- Blommaert, J. (2005). *Discourse A Critical Introduction*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Chouliaraki, L. & N. Fairclough (1999). *Discourse in Late Modernity*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Eagelton, T. (1991). *Ideology*. London: Verso.
- Fairclough, N. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and social change*. Cambridge: Polity Press.
- Fairclough, N. (1995 a). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- Fairclough, N. (1999). *Democracy and the public sphere in Critical Discourse Analysis*
- Fairclough, N. (2003). *Analysing Discourse, textual analysis for social research*, London and New York: Routledge.
- Farahzad, F. (2009). "Translation Criticism: A CDA Approach". *Translation Studies*, vol. 6, No. 24: 39-47.
- Foucault, M. (1981). *The History of Sexuality*. Harmondsworth: Penguin.
- Fowler, R. & B. Hodge & G. Kress & T. Trew (1979). *Language and Control*. London: Routledge.
- Fowler, R. (1996). *Linguistic Criticism*. 2 nd. Oxford: Oxford Press.
- Hosseini, Khaled (2004). *The Kite Runner*. Bloomsbury Publishing.
- Laclau, E. & C. Mouffe (1985). *Hegemony and socialist Strategy*. London: Verso.
- Larrin, J. (1979). *The Concept of Ideology*. London: Hutchinson.
- Martin, J. R. & R. Wodak, (eds.). (2003). *Re/reading the Past: Critical and Functional Perspective on Time and Value*. Amsterdam: John Benjamins.
- Schaefer, Christina (2004). "Political Discourse Analysis from the point of view of translating studies". *Journal of Language and Politics*, 3: 1, 117-150. John Benjamins publishing company.
- Thompson, S. (1984). *The Studies in the Theory of Ideology*. Cambridge: Polity Press.
- Van Dijk, T. A. (1998). *Ideology: a Multidisciplinary Approach*. London: Sage.
- Van Leeuwen, T. & R. Wodak (1999). "Legitimizing immigration control: a discourse historical analysis". *Discourse Studies*, 1(1):
- Wodak, R. (1995). "Critical Linguistics and critical discourse analysis". In Verschueren, J. et al.(eds.). *Handbook of Pragmatics: Manual*: 204-210. Amsterdam: John Benjamins.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی